



طلی کرچی

نمی شود، بلکه سبب انواع تخریب‌ها، گرفتاری‌ها، حق‌کشی‌ها، انحراف‌ها، و مانند آنها می‌شود.

این نوشتار بر آن نیست که به بررسی آن عوامل و شیوه‌های بهره‌گیری درست از آن ابزار و آسیب‌شناسی علمی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی آنها بپردازد، بلکه قصد اصلی، بررسی اجمالی علل و عوامل و پیامدهای سوء یکی از شیوه‌های نادرستی است که در جهت رسیدن به امیال نفسانی و غیر انسانی به کار گرفته می‌شود و آن، بررسی ابعاد و انواع و آثار سوء «استهزا و تمسخر»، بر اساس آموزه‌های دینی است. تا به این وسیله، اخلاق رسانه‌ای در جامعه اسلامی بیش از پیش تقویت شود.

استهزا و تمسخر، امری فراگیر و شایع در ابزارهای ارتباطی فردی و رسانه‌های جمعی

انسان، موجودی اجتماعی و مدنی است و بر اساس گوناگونی نیازهای مادی و معنوی خود با دیگران ارتباط کلامی، نوشتاری، تصویری و مانند آنها برقرار می‌کند. برای آسان ساختن ارتباط‌های خود با دیگران، به شیوه‌های متنوعی روی آورده و وسائل گوناگون اطلاع‌رسانی مانند: پست، تلگراف، روزنامه، نشریات، تلفن‌های ثابت و همراه، اینترنت، رادیو، تلویزیون، ماهواره و ... اختراع کرده است. در اینکه راه‌ها و ابزارهای ارتباطی در زندگی انسان‌ها امری لازم و ضروری است، تردیدی نیست. اما مسئله مهم، بهره‌گیری درست و سالم از آنها در جهت تعالی انسان به سوی اهداف مادی و معنوی اوست که گاه بر اساس عوامل گوناگون دستخوش انواع آفت‌ها و آسیب‌ها می‌شود و نه تنها آن ابزارها به سود انسان تمام

است که با آن آگاهانه به تحقیر ارزش‌های اخلاقی، انسانی، مذهبی و نیز تخریب چهره‌های مذهبی، اولیای دین، ناکارآمد جلوه دادن احکام و آموزه‌های دینی، تضعیف مبانی اعتقادی عموم مردم، و مانند آنها پرداخته می‌شود و یا ناخودآگاه کار آنان این آثار سوء را به دنبال دارد.

مفهوم شناسی استهزا و واژه‌های مترادف آن

از آنجا که واژگان دیگری هم هستند که با واژه استهزا تقریباً هم معنی هستند؛ از این رو افزون بر بیان معنای آن، به بررسی واژه‌های همزه، لمزه و تنابز نیز پرداخته می‌شود.

۱. استهزا

بیشتر واژه‌شناسان و مفسران قرآن، استهزا را هم معنای با تمسخر دانسته‌اند. این واژه به معنای آن است که کسی را تحقیر کنند و شأن و منزلت او را پایین آورند و یا یکی از مبانی، اصول و آموزه‌های انسانی و دینی را بی‌ارزش جلوه دهند و آن را به ریشخند بگیرند:

«قُلْ أ بِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ وَ رَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ»^۱؛ «بگو آيا خدا و آيات او و پيامبرش را تحقير مي‌كنيد؟»^۲

استهزا و تمسخر، گاه با زبان است و گاه با عمل؛ مانند اشاره، کنایه، تعریض و تقلید حرکات و گفتار؛ به گونه‌ای که بینندگان و شنوندگان بالطبع از آن سخن، اشاره یا تقلید بختندند.^۳

۲. همزه

«همزه» و «لمزه» هر دو صیغه مبالغه است. اولی از ماده «همز» در اصل به معنی «شکستن» است و از آنجا که افراد عیب‌جو و غیبت‌کننده، شخصیت دیگران را درهم می‌شکنند، به آنها «همزه» اطلاق شده است.

۳. لمزه

«لمزه» از ماده «لمز» (بر وزن رمز) در اصل به معنی غیبت کردن و عیب‌جویی کردن است. از مجموع سخنان واژه‌شناسان به دست می‌آید که این دو واژه به یک معنا هستند و مفهوم وسیعی دارند و هر گونه عیب‌جویی، غیبت، طعن و استهزا را به وسیله زبان، علائم، اشارات، سخن‌چینی و بدگویی شامل می‌شوند.^۴

۴. تنابز

«تنابز» به معنای لقب زشت به کسی دادن است: «وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ»^۵؛ «و با القاب بد، یکدیگر را نخوانید».^۶

انواع استهزا

استهزا، گونه‌های متفاوت دارد. این عمل ناپسند گاه در قالب نگارش جمله‌های طنز آمیز و نسبت دادن القاب زشت و ناپسند یا مقاله، گاه با کشیدن کاریکاتور، گاهی از طریق نمایش و تقلید گویش‌ها و لهجه‌های اقوام و ملت‌ها و پوشیدن لباس آنها به گونه نامناسب و خنده‌دار است که این امور معمولاً از رسانه‌های مکتوب مانند روزنامه‌ها و نشریات، رسانه‌های صوتی و

تصویری از قبیل رادیو، تلویزیون، سی‌دی، تلفن همراه و مانند آن به دیگران انتقال داده می‌شود.

انگیزه‌ها و ریشه‌های استهزا

استهزا مانند دیگر رفتارهای ناپسند، ریشه‌های گوناگون دارد و در اینجا به برخی از آنها با الهام از آیه‌های قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام اشاره می‌شود:

۱. خود برتر بینی

برتر دیدن خود و یا قوم و تبار و ملت خود، یکی از ریشه‌های استهزای افراد، از اقوام و ملل دیگر است. بسیاری از پیامک‌ها که متوجه نژادها و زبان‌های دیگر اقوام است، از این قبیل است. قرآن کریم درباره این عامل می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^۷؛

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را استهزا کنند شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نه زنانی از زنان دیگر شاید آنها بهتر از اینان باشند. و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید، و با القاب زشت و ناپسند یاد نکنید. بسیار بد است که بر کسی بعد از ایمان نام کفر بگذارید. و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند».

از اینکه می‌فرماید: «شاید آنها از اینها بهتر باشند» به دست می‌آید که سرچشمه استهزا و سُخره، همان حس خود برتر بینی و کبر و غرور است که عامل بسیاری از جنگ‌های خونین در طول تاریخ بوده است. خود برتر بینی، بیشتر از ارزش‌های ظاهری و مادی سرچشمه می‌گیرد؛ مثلاً فلان کس خود را از دیگران ثروتمندتر، زیباتر، یا از قبیله‌ای سرشناس‌تر می‌شمرد و أحياناً این پندار که از نظر علم، عبادت و معنویات از فلان جمعیت برتر است، او را وادار به سخریه می‌کند.^۸

در شأن نزول این آیه آمده است که شخصی به نام «ثابت بن قیس» شنوایی ضعیفی داشت و به همین جهت، همیشه کوشش می‌کرد زودتر به مسجد بیاید تا در کنار رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جای گزیند. اتفاقاً یک روز آمدنش به تأخیر افتاد. مردم نمازشان را خواندند و آماده شنیدن سخنان نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شدند که «ثابت بن قیس» وارد مسجد شد و به شیوه همیشگی می‌گفت: راه را باز کنید، راه را باز کنید. و از روی شانه‌های مردم می‌گذشت تا نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برود. یکی از نمازگزاران به او گفت: به مجلس رسیدی، همین جا بنشین. «ثابت بن قیس» با خشم و ناراحتی همان جا نشست. وقتی هوا روشن شد، گفت: آن کس که به من گفت همین جا بنشین، چه کسی بود؟ آن مرد خود را معرفی کرد. «ثابت بن

قیس گفت: تو پسر همان زنی هستی که ... (مادرش در زمان جاهلیت مرتکب کارهای زشت می‌شد). آن مرد خجالت کشید و سر به زیر افکند. آن گاه آیه مزبور نازل شد که یکدیگر را به زشتی یاد نکند.

از این آیه و شأن نزول آن، چند نکته به دست می‌آید همانند:

یک: در حرمت بدگویی و نسبت ناروا دادن به مسلمان، شرط نیست که آن نسبت دروغ باشد، بلکه ممکن است آن شخص بیشتر دارای آن صفات بوده، ولی اینک توبه کرده و نه تنها آن صفات را ندارد، بلکه از آنها متنفر و منزجر است.

دو: ملاک و میزان در برخوردهای اجتماعی و معاشرت با مردم، حالت فعلی آنها است؛ نه حالت سابق آنها.

سه: این آیه به گونه روشن و گویا، کسانی را که کارهای گذشته و پیشینه افراد را میان مردم افشا می‌کنند و به گونه خصوصی یا در رسانه‌های گروهی و ... منتشر می‌سازند، توبیخ می‌کند و عمل آنان را بدترین و زشت‌ترین کارها می‌داند.

۲. دنیاطلبی و دنیا‌مداری

در مضامین دینی، فریفتگی و دل بستگی کافران به دنیا، یکی از عوامل تمسخر و استهزای مؤمنان معرفی شده است:

﴿زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ
يَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا
فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ
بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾^{۱۰}

«زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است. از این رو، افراد با ایمان را (که گاهی دستشان تهی است)، مسخره می‌کنند؛ در حالی که پرهیزگاران در قیامت بالاتر از آنان هستند (چرا که ارزش‌های حقیقی در آن جا آشکار می‌گردد و صورت عینی به خود می‌گیرد) و خداوند، هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد.»

۳. جهالت

جهالت غیر از جهل است. جهل به معنای ندانستن است که در برابر علم و آگاهی می‌آید و اما جهالت به معنای نابخردی است و جاهل کسی است که کارهای او بر اساس عقل و وحی نیست. عصر جاهلیت، برهه‌ای از زمان است که گروهی از مردم هواهای نفسانی را معیار عمل قرار می‌دادند و از عقل و دین به دور بودند. قرآن کریم این ویژگی را از عوامل استهزا و تمسخر دیگران بر می‌شمارد؛ همان‌گونه که می‌فرماید:

﴿وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ
يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَ تَتَّخِذُنَا هُزُوًا
قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾^{۱۱}

«(و به خاطر بی‌اورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: خداوند به شما دستور می‌دهد ماده گاوی را ذبح کنید (و قطعه‌ای از بدن آن را به مقتولی که قاتل او شناخته نشده، برنید تا زنده شود و قاتل خویش را معرفی کند و غوغا خاموش گردد). گفتند: آیا ما را مسخره می‌کنی؟ (موسی گفت:) به خدا پناه می‌برم از اینکه از جاهلان باشم.»

بر اساس این آیه استهزا و مسخره کردن، کار افراد نادان و جاهل است و چون موسی خود را از جهالت به دور می‌داند، اتهام تمسخر و استهزای مردم را نیز نمی‌پذیرد.

۴. جهل و ندانستن

بسیاری از مردم بر اثر ندانستن حکم و آثار سوء دنیوی و اخروی استهزا و تمسخر، صرفاً برای سرگرم کردن خود دست به چنین کاری می‌زنند؛ در حالی که در روایات گوناگون جهل و ندانستن، مذمت و در باره آثار سوء آن بارها هشدار داده شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الجهل معدن الشر»^{۱۲} جهل، سرچشمه شر است. و در جای دیگر، آن را نوعی بیماری معرفی می‌کند: «أسوأ السقم الجهل»^{۱۳} بدترین بیماری، ندانستن است. نیز در باره ویژگی‌های جاهلان می‌فرماید: «ست خصال يعرف فی الجاهل: الغضب من غیر شر، و الکلام من غیر نفع، والعطية فی غیر

موضعها، و إفشاء السر، و الثقة بكلّ أحد، لا يعرف صدیقه من عدوه»^{۱۴} شش ویژگی در شخص جاهل نمایان است: بی‌مورد خشمگین شدن، سخن بیهوده گفتن، بیجا بخشش کردن، افشای سر، به هر کسی اعتماد کردن و نشناختن دوست از دشمن.»

۵. ارتکاب گناه

از جمله ریشه‌های استهزا، غرق شدن در گناهان است؛ زیرا گناه قلب انسان را تیره و از ارزش‌ها گریزان می‌کند. از این رو، در مواجهه با آیات الهی، به استهزای آنها می‌پردازد و آنها را به باد تمسخر می‌گیرد. قرآن کریم درباره این گروه می‌فرماید:

﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السَّوْءَ
أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا
يَسْتَهْزِئُونَ﴾^{۱۵}

«و سرانجام کسانی که بدی‌ها را به بدترین وجه مرتکب می‌شدند، این بود که آیات خدا را تکذیب و آنها را استهزا کنند.»

۶. نفاق

بسیاری از هتاک‌ها و تمسخرهایی که از سوی منافقان و دگراندیشان از طریق ابزار ارتباط جمعی و رسانه‌ها انجام می‌پذیرد، معلول نفاق و کفر باطنی آنان است:

﴿وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَ
إِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا
نَحْنُ مُسْتَهْزَؤُنَ﴾^{۱۶}

«و هنگامی که افراد با ایمان را ملاقات می کنند، می گویند: ما ایمان آورده ایم. (ولی) هنگامی که با شیاطین خود خلوت می کنند، می گویند: با شما هستیم، ما (آنها را) مسخره می کنیم».

۷. ناتوانی در برابر منطقی

۸. هنر نمایی برای مجلس گرمی و جلب مخاطبان

برخی از افراد هنرمند نما، می پندارند که جلب توجه و خندانند مخاطب به هر قیمت و صورتی، کاری هنرمندانه است. این گونه افراد، با کنار گذاشتن معیارهای عقلی و دینی با انواع طنزها، لودگی‌ها، دلک بازی‌ها و تقلید گویش اقوام به گونه‌های نامناسب و مانند آن به تمسخر و تحقیر مستقیم و غیر مستقیم مردم و با گروه خاصی از آنها می پردازند. اغلب این گونه طنزها با هدف سرگرمی و خنده به اجرا درمی آید. از منظر اسلام، در طنز یا هر فعالیت دیگر، روش و ابزار باید در عین کار آمد بودن، هیچ گونه ضرر و زبانی نداشته باشد. یکی از اصول کلی در این زمینه، این است که در طنز، ابزارها و روش‌ها باید مورد تأیید عقل و شرع قرار گیرد. تحقیر شخصیت افراد و تمسخر آنها

از دیدگاه عقل و روایات از جمله امور ناپسند است و آموزش چگونگی تحقیر و تمسخر نیز با ملنز و هر برنامه دیگر، امری است ناپسند. بدتر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«در قیامت اهل سخریه و استهزا را می آورند و برای یکی از ایشان دری از بهشت می گشایند و به او می گویند: بشتاب و داخل شو. او با غم و اندوه می خواهد داخل شود که در را می بندند و از طرف دیگر دری می گشایند و به او می گویند: زود داخل شو. چون نزد آن در می رسد، در را می بندند. این کار ادامه می یابد و از هیچ دری نمی تواند داخل شود؛ به گونه‌ای که مأیوس می شود و وقتی باز هم به او می گویند: بیا. او نمی آید».^{۱۷}

با توضیحاتی که گذشت، روشن می شود که در طنز نباید تمسخر و تحقیر باشد و طنزپردازان باید روش دیگری را برای خندانند و ارائه مفاهیم و مقاصد خود برگزینند؛ ولی متأسفانه در برخی برنامه‌های طنز صدا و سیما و دیگر رسانه‌ها و حتی در میان مردم، لطیفه‌ها بیش از آنکه طنز باشند، نوعی هزل و هجو است و با خرد کردن شخصیت برخی از مردم، زمینه خنده افراد را فراهم می کنند. البته اگر طنز به صورتی باشد که امر زشتی را تحقیر یا تمسخر کند و یا خود استهزا را مورد انتقاد قرار دهد و یا بزرگ‌نمایی آن بخواهد مخاطب را متوجه زشتی

آنها کند، امری پسندیده است؛ ولی آن گونه که در برخی مجموعه‌های تلویزیونی در سال‌های اخیر می بینیم، این شیوه‌های حرام، خود به عنوان جاشی خنده در طنزها به کار می رود.

۹. آزادی بیان و قلم

آزادی بیان و قلم از دیدگاه اسلام امری مسلم است، ولی این مسئله دستاویزی برای برخی فرصت‌طلبان شده و از آن برای استهزا و تمسخر دیگران در نشریات، اینترنت، تلفن‌های همراه و مانند آنها و به منظور تخریب چهره‌های دینی مانند معصومان و اولیا و خادمان دین بهره می گیرند.

برخی دیگر، چنین می پندارند که تحت عنوان «آزادی بیان و قلم» مجازند هر چه بخواهند بگویند و نیز هر عیب و نقصی را که از کسی می دانند، بر ملا سازند. حتی ممکن است نسبتی که به شخصی داده می شود، دروغ نباشد، ولی یادآوری آن سبب خجالت و سرافکندگی او شود. همه این پندارها، غلط و خطا است و از دیدگاه اسلام جایز نیست.

آثار استهزا و تمسخر

قبیح و بدی و حرمت استهزا، تمسخر، نسبت‌های ناروا به افراد، عیب‌جویی و افشای اسرار مردم، امری مسلم است، چه از طریق رسانه باشد و چه در محاورات و روابط اجتماعی دیگر؛ گر چه قبیح و حرمت آن در رسانه بیشتر

است؛ زیرا آثار سوء آن افزون‌تر است در اینجا برخی از آثار سوء فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی آن را بر می‌شماریم:

۱. به خطر افکندن آبروی افراد

یکی از مشکلاتی که در زمان حاضر با آن مواجه هستیم، رواج پیامک‌ها و بلوتوث‌هایی است که به وسیله آن، مسائل غیر اخلاقی و تصاویر خصوصی‌ترین لحظه‌های افراد، هجویات، مسخره کردن قشرهای مختلف جامعه و شخصیت‌های شاخص کشور را منتشر می سازند؛ در حالی که در روایات دینی، انسان مؤمن، حرمتی در رتبه حرمت خانه کعبه دارد.

انسان چهار سرمایه دارد که همه آنها باید در دژهای «قانون» قرار گیرد و محفوظ باشد: جان، مال، ناموس و آبرو. تعبیرات آیات قرآن و روایات اسلامی نشان می دهد که آبرو و حیثیت افراد همچون مال و جان آنهاست، بلکه از بعضی جهات مهم‌تر است. اسلام می خواهد در جامعه اسلامی امنیت کامل حکم فرما باشد، نه تنها مردم از آسیب‌های جسمی یکدیگر در امان باشند، بلکه از زبان و از آن بالاتر، از اندیشه و فکر هم‌دیگر نیز در ایمن باشند؛ به گونه‌ای که هر کس احساس کند که دیگری حتی در فکر خود تیرهای تهمت را به سوی او نشانه گیری نمی کند و این، بالاترین سطح امنیت است که جز در جامعه مذهبی و مؤمن، امکان پذیر نیست.

۳. تضعیف روحیه تعاون و همکاری

آنچه زندگی انسان را از حیوانات جدا می‌کند و به آن رونق و حرکت و تکامل می‌بخشد، روح تعاون و همکاری دسته جمعی است و این در صورتی امکان‌پذیر است که آنان در میان اجتماع احساس امنیت کنند؛ در حالی که تمسخر و استهزا، پایه‌های این اعتقاد را در هم می‌کوبد، بیوندهای تعاون را از بین می‌برد و روح اجتماعی را تضعیف می‌کند.

۴. تضعیف غیرت دینی و دین‌مداری

از جمله آثار سوء استهزا و تمسخر در رسانه‌ها، تضعیف غیرت دینی، گسترش اباحی‌گری و سست شدن مبانی اعتقادی مردم به ویژه قشر جوان است. این گونه استهزاها که معمولاً در قالب طنز صورت می‌گیرد، پیامدهای زیر را به دنبال دارد:

تحقیر اعتقادات دینی و مذهبی، تخریب شخصیت‌های مذهبی، تخریب ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس که پیوندی ناگسستنی با اعتقادات مذهبی دارد، تخطئه احکام مذهبی در مورد ممنوعیت روابط نامشروع با محارم، هجو دعا‌های وارد شده، نسبت دادن صفات جنسی به شخصیت‌های مذهبی، تمسخر تفکرات پایه‌ای تشیع مانند اعتقاد به شفاعت، شفا، مهدویت و ... هجو آیه‌های قرآن و ساختن

آیه‌های جعلی در مورد روابط نامشروع و غیره، تخریب اعتقادات مذهبی چون عاشورا و محرم، تمسخر و تخطئه روحانیان و تأکید بر ریای مذهبی در شخصیت آنان و ...

بسیاری از این گونه طنزها از سوی افراد مغرض و مخالف با مکتب تشیع و معاندان با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در قالب فیلم کوتاه، صوت و نوشتار، تولید و منتشر می‌شود که بسیاری از مردم، ناآگاهانه و بدون توجه به آثار سوء آن و گاه صرفاً برای خندانیدن دوستان خود، آن را نقل و یا از طریق بلوتوث و پیامک به سرعت به دیگران منتقل می‌کنند. جوانی که صدها جوک خنده‌دار و تقلید مسخره‌آمیز درباره مسائل مذهبی را شنیده است، اگر در مجلس عزاداری خنده‌اش نگردد، بی‌گمان نمی‌تواند بگیرد و یا حال خوش عرفانی پیدا کند. همچنین سخنان مسخره‌آمیزی که مربوط به احکام فقهی و روحانیان است، در نهایت باعث کاهش پایبندی به دستورهای شرع و تضعیف رابطه میان مردم و روحانیان می‌شود.

ذهنی که با «افکار شیطانی» سیاه شود، جایی برای نورانیت «یاد خدا» نخواهد داشت؛ زیرا او با دیدن هر چیزی، به جای تفکر در آیات الهی، به یاد جمله‌ای می‌افتد که برای آن ساخته‌اند. چنین کسی به جای ذکر خداوند، لطیفه می‌گوید و به جای مطالب مفید علمی،

دنبال پیامک جدید می‌رود. قرآن کریم استهزای مؤمنان را سبب غفلت از یاد خدا معرفی می‌کند: ﴿فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سُخْرِيًا حَتَّىٰ أَنْتَوَكُمُ ذَكَّرِي و كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ﴾^{۱۸}

«اما شما آنها را به مسخره گرفتید و این بر خورد شما را از یاد من غافل کرد و شما به آنها می‌خندیدید».

چنین کسی با بی‌حیایی، مقدسات و مسائل دینی را مسخره می‌کند و چون حیا ندارد، عفت را نیز زیر پا می‌گذارد و رفته رفته ایمان از او دور می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لا إيمان لمن لا حياء له!»^{۱۹} برای کسی که حیا ندارد، ایمان هم نیست».

توصیه‌هایی چند

حال چه باید کرد؟ در این باره وظایفی بر عهده متولیان فرهنگی و دستگاه‌های قضایی است که می‌توانند با راهکارهای مناسب، کارآمد و مستمر در رفع این بیماری اجتماعی چاره‌اندیشی و انقاع نقش کنند. شکی نیست تا زمانی که برای بهره‌گیری از ابزار مدرن در میان جامعه «فرهنگ‌سازی» نشود، شاهد بدتر شدن وضع موجود خواهیم بود. افراد حاضر در جامعه تابع راهی هستند که به آنها نشان داده می‌شود. از جمله راهکارها، به ویژه در بخش تلفن‌های همراه، این است که بتوان فایل‌هایی متنی با مضامین دینی، روایات زیبا از معصومان علیهم السلام و

سخنان بزرگان دینی و نیز تصاویر زیبا و لطیف که دارای چهارچوب اخلاقی و اسلامی‌اند، در میان جوانان و جامعه گسترش داد و افکار را از بی‌عفتی، به سمت فدایت پاک و کمال در دین و نهایتاً تعالی شخصیت هدایت کرد.

فرهنگ سازی در خانواده و ترویج آموزه‌های اسلامی و توجه به فرهنگ و سنت‌های غنی ایرانی، از وظایف متولیان فرهنگی کشور است که با جلوگیری از منتشر شدن هجویات و تصاویر مخرب، می‌توانند دین خود را ادا کنند.

از طرف دیگر، باید به کاربران و خصوصاً جوانان آموزش داده شود که وسیله تولید شده برای رفاه بیشتر مردم است، نه برای سلب آسایش دیگران. نخستین و مهم‌ترین راهکار، پررنگ کردن آموزه‌های دینی در میان جوانان است. در وضعیت موجود، تأکید بر بازگشت به معنویات و ارزش‌های اخلاقی، تنها بخشی از راه نرفته‌ای است که باید با نگرش صحیح بيموده شود. همچنین در این مسیر، باید فرهنگ بهره‌گیری درست از علم و فناوری را جایگزین مادی‌گرایی و تجمل‌گرایی کرد. مردم اگر بعد از دریافت این پیامک‌های مسخره‌آمیز، از ارسال آنها به دوستان و آشنایان خود صرف نظر کنند، می‌توانند عاملان و سازندگان این بلوتوث‌ها و پیامک‌ها را نیز در رسیدن به مقاصد آنان ناکام بگذارند. در کنار کارهای فرهنگی که از طریق رسانه انجام می‌گیرد و نیز علاوه بر بهره‌گیری از عوامل آموزش و پرورش و کنترل اخلاقی،

کنترل اجتماعی و برخورد قضایی نیز می‌تواند مؤثر باشد. اگر اقدامات پیشگیرانه را فقط به چنین برخوردهایی محدود کنیم، به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید.

کاربران اینترنت، دارندگان تلفن‌های همراه، خوانندگان نشریات و مرتبطان با رسانه‌های صوتی و تصویری افزون بر امر به معروف و نهی از منکر، باید موارد ذیل را رعایت کنند: به رسانه‌هایی که به تمسخر و استهزا می‌پردازند، بی‌اعتنا باشند، از انتشار و نقل آنها خودداری و در صورت لزوم ارتباط خود را با تولیدکنندگان و انتشار دهندگان قطع و آنان را به مراجع ذیصلاح معرفی کنند. خداوند متعال خطاب به مردم می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝۲۰﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! افرادی را که آئین شما را به باد استهزا و بازی می‌گیرند، از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شد و کافران را، دوست خود انتخاب نکنید و از خدا پروا کنید، اگر ایمان دارید.»

همچنین در باره لزوم ترک همنشینی با استهزا کنندگان مقدسات دینی می‌فرماید:

﴿وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۝۲۱﴾

«هر گاه کسانی را که آیات ما را استهزا می‌کنند، مشاهده کنی، از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند.»

پی‌نوشت‌ها

۱. توبه/۶۵.
۲. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مسطفوی، ج ۱۱، ص: ۲۵۶؛ قاموس قرآن، علی اکبر قرشی، ج ۷، ص: ۱۵۴.
۳. المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۸، ص: ۴۸۱.
۴. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۷، ص: ۳۰۹؛ قاموس قرآن، ج ۷، ص: ۱۶۴.
۵. حجرات/۱۷.
۶. قاموس قرآن، ج ۷، ص: ۱۱.
۷. حجرات/۱۷.
۸. تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص: ۱۷۹.
۹. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، علامه طبرسی، ج ۲۳، ص: ۲۱۱.
۱۰. بقره/۲۱۲.
۱۱. همان، ۶۷.
۱۲. عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، ص: ۱۹.
۱۳. غررالحکم، ج ۲۸۸۲.
۱۴. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص: ۳۰۳.
۱۵. روم/۱۰.
۱۶. بقره/۱۴.
۱۷. گناهان کبیره، شهید سید عبدالحسین دستغیب، ج ۲، ص: ۲۹۵.
۱۸. مؤمنون /۱۱۰.
۱۹. اصول کافی، ج ۲، ص: ۱۰۶.
۲۰. مائده /۵۷.
۲۱. انعام/۶۸.